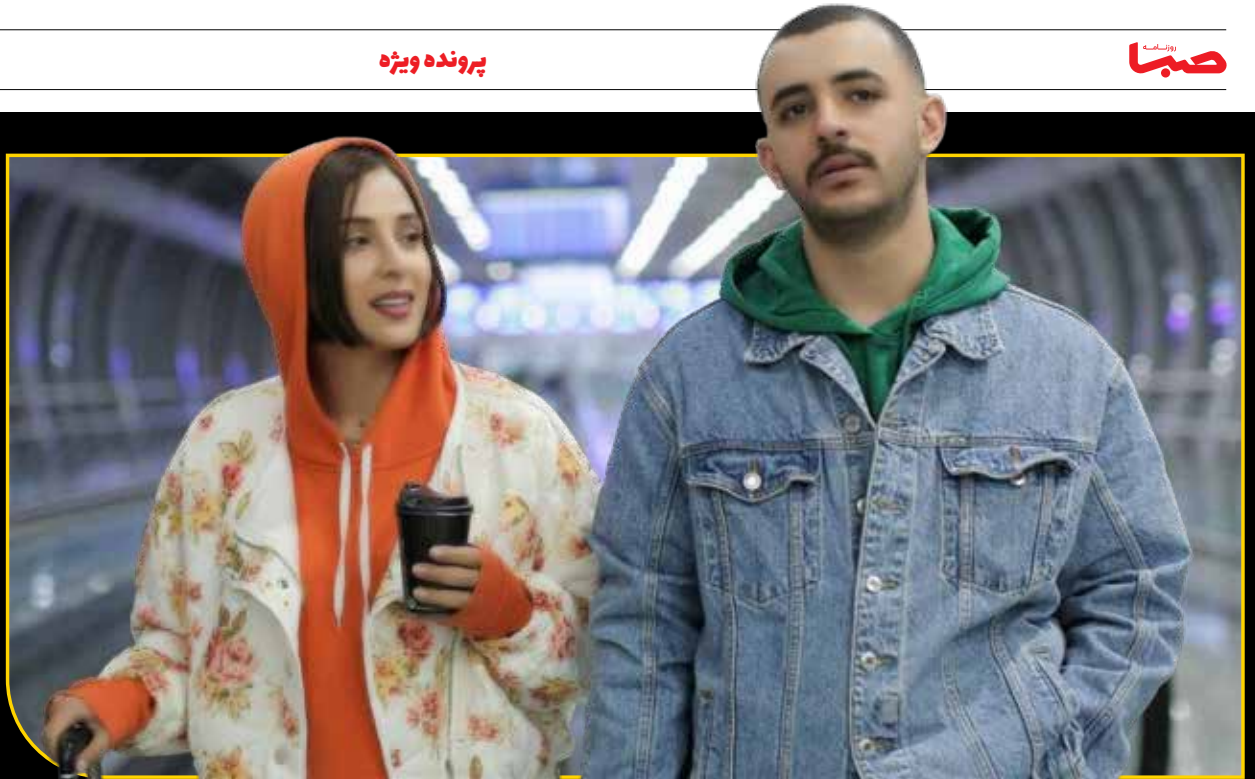




چگونه شکل گرفت؟

پالت رنگی و نورها محصول همان نگاه کلی فیلم بودند. همه این عناصر در همراهی با جهان ذهنی اثر طراحی شدند. انتخاب رنگ‌ها، نورها و یافت بصری فیلم تلاشی بود برای نزدیک شدن به ذهنیت کارگردان و خلق فضایی متفاوت از آنچه معمولاً در تهران در سینمای ایران می‌بینیم.

○ شب‌های تهران در فیلم گرم و شاعرانه‌اند، در حالی که در واقعیت اغلب خشن و شلوغ‌اند. این فاصله با واقعیت آگاهانه بود؟

مطلقاً آگاهانه بود. تهران واقعی، شهری خشن و شلوغ است و شب‌های رمانتیک ندارد، اما این فیلم بنا داشت به فضای شهری معمول تهران وفادار باشد. قرار نبود مستندی از شهر بسازیم، بلکه می‌خواستیم فضای ذهنی و حسی شخصیت‌ها را به تصویر بکشیم.

○ به نظر می‌رسد دوربین در این فیلم کمتر قضاوت می‌کند و بیشتر مشاهده‌گر است. این رویکرد چقدر آگاهانه بود؟

خوشحالم که به این نکته اشاره کردید، چون دقیقاً جزئی از کانسپت فیلم بود. قرار بود دوربین سمت کسی را نگیرد؛ دوربین یک شاهد باشد که فقط وقایع میان این زوج را مشاهده می‌کند. قضاوتی در کار نیست، کسی درست یا غلط نیست و تقابلی هم وجود ندارد. دوربین صرفاً همراهی بازیکوشرانه‌ای با شخصیت‌ها دارد. نکته مهم این است که فیلم اساساً قصد طرح شعارهای بزرگ را ندارد؛ فیلمی بازیکوشرانه است و از این جنس آثار در سینمای ایران کمتر ساخته شده‌اند. ممکن است برخی آن را دوست داشته باشند و برخی نه، اما به نظر هر تجربه‌ای خارج از عرف و زانرهای مرسوم سینما محترم است و «تهران کنارت» نیز یکی از همین تجربه‌هاست.

○ وقتی فیلم پس از چند سال توقیف و اصلاحات به اکران رسید، آیا احساس کردید بخشی از طراحی بصری اثر آسیب دیده است؟

سانسور ویران‌کننده است. هیچ شکی وجود ندارد که سانسور، در هر شکل و شمایل، محکوم است و به هنر آسیب می‌زند. در طول تاریخ هنر، سانسور هیچ‌گاه به هیچ هنری کمک نکرده و همواره زیان‌بار بوده است.

این فیلم هم مجزا نیست، حذف بخش‌هایی از فیلم قطعا به روایت آن آسیب زده است. البته هیچ‌کس تأکید نمی‌کند که این فیلم اثری کامل و بی‌نقص بوده است؛ این فیلم هم مانند هر فیلم دیگری محصول تجربه یک کارگردان جوان و حاصل کار بیش از صد نفر از عوامل پشت صحنه است. اما متأسفانه لطمه خورده است. حذف هر بخش از یک اثر سینمایی می‌تواند ریتم روایی و بصری آن را تغییر دهد و این اتفاقی است که در این فیلم هم رخ داده است.

○ صحبت پایانی؟

به عنوان کسی که ایران و سینمای ایران را دوست دارد، معتقدم سینمای ما یکی از بزرگ‌ترین افتخارات فرهنگی کشور است. سینماگران ایرانی معتبرترین جوایز جهان را کسب کرده‌اند و این افتخار کوچکی نیست. با این حال، متأسفانه سینمای ایران امروز در یکی از دشوارترین دوره‌های خود قرار دارد؛ از مدیریت‌های اشتباه گرفته تا ابتذال و محدود شدن امکان ساخت فیلم‌های جدی. با وجود همه این مشکلات، من معتقدم سینما از هر ساختار اداری و تصمیم‌گیری قدرتمندتر است و در نهایت دوباره به دوران شکوفایی خود بازخواهد گشت.



دیگری هم دارم با نام «بالتر از سیاهی» به کارگردانی احمد بهرامی و تهیه‌کنندگی پیمان معادی که نقش اصلی مرد آن را هم خود آقای معادی بازی می‌کنند. خیلی منتظر اخبار این فیلم هستم و آن را خیلی دوست دارم.



علی قاضی،
مدیر فیلمبرداری؛

سانسور ویران‌کننده است

«تهران کنارت» از همان نخستین نمایش‌ها به واسطه جهان بصری متفاوتش مورد توجه قرار گرفت؛ فیلمی که نه می‌خواست تهران را آن‌گونه که هست بازنمایی کند و نه قصد داشت تصویری مستند از زیست شهری ارائه دهد. علی قاضی، مدیر فیلمبرداری فیلم، معتقد است «تهران کنارت» محصول ذهنیت کارگردان است و جهان بصری آن بر پایه نوعی رمانتیسیم و بازیکوشری طراحی شده است؛ جهانی که به گفته او، سانسور نیز از آسیب رساندن به آن مصون نبوده است.

○ «تهران کنارت» شهری را نشان می‌دهد که با تصویر رایج سینمای ایران از تهران متفاوت است؛ این تهران حاصل نگاه شما بود یا در فیلمنامه وجود داشت؟

این فیلم اساساً قرار نبود فیلمی باشد که سال‌ها بعد بتوان به آن به عنوان سندی از فضای شهری تهران رجوع کرد. قرار نبود تصویری مستند از شهر ارائه دهد. آنچه در فیلم می‌بینیم بیشتر یک فضای ذهنی است؛ مجموعه‌ای از فضاهای محدود، قرنطینه‌شده و مجزا که در جهان فیلم تعریف شده‌اند. به همین دلیل هم شاید برای برخی این پرسش ایجاد شده که چرا تهران فیلم با واقعیت فاصله دارد. پاسخ ساده است؛ چون اساساً فیلم قرار نبوده مستند باشد. این اثر محصول ذهنیت کارگردان است و جهان بصری آن نیز بر همین اساس شکل گرفته است.

○ بسیاری معتقدند تهران در فیلم بیشتر شبیه یک وضعیت ذهنی است تا یک جغرافیا. شما در فیلمبرداری چگونه به این حس رسیدید؟

دقیقاً همین‌طور است. فیلم تلاش کرد از طریق انتخاب رنگ‌ها، نور و نوع نمایش فضاهای شهری به ذهنیت کارگردان نزدیک شود. رنگ‌هایی که انتخاب شد عموماً از پالت رنگی رایج منازل شهری در سینمای ایران فاصله داشت. این انتخاب‌ها آگاهانه بود تا جهان ذهنی فیلم شکل بگیرد، نه بازنمایی واقعیت بیرونی شهر.

○ در طراحی بصری فیلم از چه فیلم‌ها یا جریان‌های سینمایی الهام گرفتید؟

در شکل‌گیری اتمسفر بصری فیلم، مجموعه عوامل پشت صحنه از جمله من به عنوان فیلمبردار، طراح صحنه، طراح لباس و گریمر تلاش کردیم به کدهای مشترکی برسیم. از رمانتیسیم سینمای دهه اخیر و فیلم‌های مختلف الهام گرفتیم، اما نمی‌توانم بگویم فیلم مشخصی مرجع ما بوده است. از هر فیلم یا جریان، کدهایی گرفته شد و همه اجزای بصری فیلم بر مبنای آن‌ها شکل گرفت.

○ یکی از ویژگی‌های شاخص «تهران کنارت» پالت رنگی کنترل‌شده و نورپردازی آرام آن است. این جهان بصری

مشکلات، بیکاری، بی‌پولی و سختی‌ها باز هم می‌خواهند از کوچک‌ترین فرصت‌ها استفاده کنند تا حالشان خوب شود و زندگی کنند. همین شرایط باعث می‌شود بعضی‌ها مهاجرت کنند و شب این واقعا آدم را ناراحت می‌کند و دل آدم می‌شکند. فیلم بخشی از حال و هوای نسل ما و زندگی دخترها و پسرهای این سن و سال را نشان می‌دهد. به نظرم «تهران کنارت» اتمسفر خیلی عجیبی دارد. یادم هست وقتی اولین بار فیلم را دیدم، واقعا تا مدتی درگیرش بودم. حالتی در آدم ایجاد می‌کند که کمتر فیلمی می‌تواند آن را بسازد.

○ این فیلم چه تفاوتی با تجربه‌های قبلی بازیگری شما داشت؟

پشت صحنه این فیلم خیلی من را یاد «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» می‌انداخت. چون آنجا هم فضایی وجود داشت که کارگردان حواسش به بازیگرها بود. البته طبیعتاً هر کارگردانی جهان خودش را دارد. علی بهراد جوان‌تر، شادتر و سرخوش‌تر است و این هم به سن و سال همه ما برمی‌گردد، اما واقعا کنار تیم آقای بهراد و آقای مصفا حالم خوب بود؛ همان‌طور که کنار گروه عبدالرضا کاهانی حالم خوب بود.

○ آیا لحظه‌ای سکانسی در فیلم وجود دارد که برای شما شخصاً ماندگارتر از بقیه باشد؟

جالب است که سکانس مورد علاقه من لزوماً سکانسی نیست که خودم در آن حضور داشته باشم. صحنه‌ای که آن‌اهیتا افشار روی ماشین‌ها راه می‌رود، برای من خیلی جذاب و ماندگار است و آن را خیلی دوست دارم.

○ «تهران کنارت» پیش از اکران با بحث‌های ممیزی و حذف برخی بخش‌ها روبه‌رو شد. به عنوان بازیگر، مواجهه با این اتفاق چه حسی برای شما داشت؟

خب آدم ناراحت می‌شود. واقعا ناراحت‌کننده است. آدم با خودش می‌گوید: «ای بابا، دوباره به این هم گیر دادن!» گاهی بعضی آثار را می‌بینیم و تعجب می‌کنیم که چطور به آن‌ها ایراد گرفته نمی‌شود، اما به بعضی چیزها حساسیت نشان داده می‌شود.

من فکر می‌کنم وقتی آدم‌ها شبیه ما نباشند، معمولاً بیشتر از آن‌ها ایراد می‌گیریم. اگر این را بپذیریم که همه قرار نیست شبیه هم باشند، شاید خیلی از مشکلات حل شود. به نظرم رسیدن به این درک، خودش شعور بسیار بالایی می‌خواهد.

○ حضور در جشنواره‌های بین‌المللی چه تأثیری بر مسیر حرفه‌ای یک بازیگر دارد؟

وقتی فیلمی به یک جشنواره بین‌المللی می‌رود و آنجا دیده می‌شود، باعث می‌شود فیلمسازانی که نگاه جهانی‌تری دارند یا فیلمنامه‌های خاص‌تری می‌نویسند، بیشتر با شما آشنا شوند و سراغتان بیایند. این اتفاق برای من هم افتاده و به نظرم تجربه خیلی جذابی است. ما برای نمایش «تهران کنارت» به جشنواره کارلووی واری رفتیم و آنجا واکنش تماشاگران برام خیلی جالب بود. بیشتر تماشاگران خارجی بودند و خیلی با فیلم ارتباط می‌گرفتند. در بعضی لحظه‌ها می‌خندیدند و واکنش نشان می‌دادند. به‌خصوص بازی علی شادمان و آن‌اهیتا افشار را خیلی دوست داشتند و این برای من تجربه شیرینی بود.

○ پس از «تهران کنارت»، مخاطبان منتظر چه فعالیت‌ها و پروژه‌هایی از آیدا ماهیانی باشند؟

یک فیلم سینمایی به نام «عوطلمور» به کارگردانی جواد حکمی دارم که در آن نقش اصلی را بازی کرده‌ام. سریال «رویای نیمه‌شب» هم به زودی پخش خواهد شد. فیلم

امروز معتقدم اصلاحاتی که انجام شد به گونه‌ای نبود که به شاکله فیلم آسیب بزند، چون این اصلاحات با نظر کارگردان صورت گرفت. فکر می‌کنم با وجود همه این مسائل و حواشی، فیلم در نهایت توانسته حرف خودش را بزند و همچنان معتقدم «تهران کنارت» بدون لکنت ساخته و روایت شده است.



آیدا ماهیانی،
بازیگر؛

تهران کنارت، تا مدت‌ها درگیرم کرد

«تهران کنارت» برای آیدا ماهیانی تنها یک تجربه بازیگری نیست؛ فیلمی است درباره جوان‌هایی که با وجود همه دشواری‌ها هنوز می‌خواهند زندگی کنند و حالشان خوب باشد. او از همکاری با گروهی می‌گوید که بیش از هر چیز «مراقب هم بودند» و معتقد است هیچ واژه‌ای به اندازه «مراقبت» به آدم احساس امنیت و دلگرمی نمی‌دهد.

○ همکاری با علی بهراد به عنوان نویسنده و کارگردان این اثر چگونه بود؟

علی بهراد خیلی حواسش به بازیگر و خیلی مراقب پارتی‌ها و گروهش است. من رضا کولغانی و بقیه بچه‌ها این موضوع را کاملاً حس می‌کردیم. یادم هست یک شب خیلی سرد بود و هوا واقعا طاقت‌فرسا شده بود، اما همه بچه‌ها حواسشان به هم بود. به نظرم مهم‌ترین ویژگی آدم‌ها این است که به هم بگویند «مراقبت» و واقعا هم مراقب هم باشند. حتی به نظرم از جمله‌هایی مثل «دوستت دارم»، «قبولت دارم» یا «بهت اعتماد دارم» هم محکم‌تر است. «مراقبت» یک جور دلگرمی عمیق دارد. اصلاً مدل کاری علی بهراد این‌طوری است که می‌گوید اول باید حال بازیگر خوب باشد. معتقد است بازیگر باید حالش خوب باشد تا بتواند کارش را درست انجام دهد. به همین خاطر فضای سخت و فرساینده‌ای نداشتیم و من واقعا از همکاری با او لذت بردم.

○ بازی در کنار بازیگرانی چون علی شادمان و علی مصفا چه تجربه‌ای برای شما رقم زد؟

علی مصفا به نظر من یک بازیگر، نویسنده، کارگردان و فیلمساز درجه‌یک است و مهم‌تر از همه اینکه واقعا آدم حساسی است. کوچک‌ترین ناراحتی یا مسئله‌ای که برای کسی پیش می‌آید، سریع تلاش می‌کند حلش کند. حواسش بود کسی دلخور نشود و همه حال خوبی داشته باشند. یادم هست برای نمایشی که بازی می‌کردم از ایشان دعوت کردم. به شوخی گفتم اگر نیايید از دستتان ناراحت می‌شوم. باورم نمی‌شد که همان روز به تماشای اجرا آمدند. واقعا برای من خیلی ارزشمند بود. من خیلی دوست دارم دوباره با آقای مصفا کار کنم. ایشان آرامشی دارند که وقتی سر صحنه حاضر می‌شوند، حتی اگر حرفی هم نزنند، انگار نظم و آرامش بیشتری در فضا ایجاد می‌شود. علی شادمان هم بازیگری است که خیلی خوب با فیلم ارتباط برقرار می‌کند و حضورش برای گروه انرژی‌بخش بود.

○ مهم‌ترین پیام یا دغدغه فیلم چیست؟

اتفاقاً دغدغه فیلم خیلی جذاب است. فیلم درباره دخترها و پسرهای شهر ماست که با وجود همه